

## تحلیلی از شکل‌گیری صندوق بین‌المللی پول تحت‌تاثیر

## ۱۰ رویداد مهم

نویسنده: جیمز بافتون\*  
ترجمه و تلخیص: محمد ستوده



توانست پس از اندک مدتی یعنی در مه سال ۲۰۰۰ به ریاست صندوق بین‌المللی پول برسد. او سال گذشته به طور غیر منتظره از ریاست صندوق استعفا داد و خود را نامزد ریاست جمهوری آلمان کرد و سرانجام به عنوان نهمین رئیس جمهور آن کشور بعد از جنگ جهانی دوم انتخاب شد.

در جریان انتخابات اخیر صندوق بین‌المللی پول باردیگر اختلافات دیرین کشورهای جهان سوم و اروپایی‌ها بروز کرد. این کشورها در ۶۰ سال گذشته همواره به مسئله انتخاب یک اروپایی در راس صندوق بین‌المللی پول معترض بوده‌اند ولی با این حال "رودریگو راتو" وزیر دارایی اسپانیا برای یک دوره پنج ساله جهت تصدی سمت مدیرعامل و رئیس هیات اجرایی صندوق برگزیده شد تا صندوق همچنان به سنت دیرین خود که ریاستش را اروپاییان بر عهده داشته‌اند، پایبند باقی بماند. انتصاب "راتو" همانند تجربه انتصاب روسای قبلی نشان داد صندوق هیچ قصدی برای واگذاری این پست به اتباع ملل غیر اروپایی ندارد.

ایجاد بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه می‌توانست به فعالیتهای اقتصادی حیاتی دوباره بخشد و همچنین تاسیس صندوق بین‌المللی پول نیز موجب رونق تجارت چندجانبه بین کشورهای عضو شده و قابلیت تبدیل پذیری اسعار مختلف به یکدیگر را احیاء کند. انگیزه اصلی از تاسیس صندوق بین‌المللی پول برای "جان مینیارد کینز" رئیس هیات نمایندگی بریتانیا در کنفرانس برتون وودز و "هری دکستر وایت" تهیه‌کننده اصلی پیش‌نویس قانون صندوق و رئیس هیات نمایندگی آمریکا این بود که بتوانند با ایجاد چنین موسسه‌ای رشد اقتصادی پس از جنگ را به نحو مطلوبی ایجاد و هدایت کرده و از بازگشت سیاست حمایت‌گرایانه دولت و همچنین وقوع مجدد "بحران بزرگ اقتصادی" (۱۹۲۹-۳۳) جلوگیری بعمل آورند. مقاله حاضر نگاهی دارد به بعضی از وقایع مهمی که در قرن بیستم بیشترین تاثیر را بر عملکرد صندوق بین‌المللی پول داشته‌اند. و این واقعتی که فشار وقایع تاریخی چگونه توانسته بر سیستم صندوق بین‌المللی پول تاثیر گذار باشد.

در ماه ژوئیه سال ۱۹۴۴ و زمانی که هنوز چند ماهی به شکست نهایی متحدین و خاتمه جنگ جهانی باقی مانده بود، ۴۵ کشور جهان در "برتون وودز" ایالت نیوهمپشایر آمریکا گرد هم آمدند تا چگونگی کمک به بازسازی اقتصاد جنگ‌زده اروپا را بررسی کنند. و طی آن سعی داشتند از وقوع مجدد حوادثی که پس از شکست مذاکرات صلح پاریس رخ داد و نهایتاً به جنگ جهانی دوم منجر شد، جلوگیری به عمل آورند. از پیامدهای این اجلاس ایجاد دو نهاد عمده در روابط اقتصاد بین‌الملل، یعنی صندوق بین‌المللی پول و بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه (بانک جهانی) است که هنوز هم با همان اهداف اولیه خود فعالیت می‌کنند.

صندوق طی ۶۰ سال گذشته دستخوش تغییر و تحولات فراوانی شده و رویکردهای جدیدی را در سیاستهای خود اتخاذ کرده است. اما آنچه کمتر به چشم می‌آید تاثیر پذیری صندوق از تحولات تاریخی و عقاید سیاسی و اقتصادی مختلف از بدو تاسیس است. به موجب توافقی که به هنگام شکل‌گیری بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول حاصل آمده، ریاست بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را به ترتیب آمریکاییان و اروپاییان بر عهده داشته‌اند. و در انتخابات اخیر صندوق نیز باردیگر علیرغم اختلاف دیرینه جهان سوم و اروپا بر سر ریاست صندوق یک اروپایی سکاندار آن شد.

رئیس پیشین صندوق بین‌المللی پول "هرست کهلر" از کشور آلمان بود که اکنون به سمت ریاست جمهوری کشورش برگزیده شده است. او در سال ۱۹۷۷ با مدرک دکترای اقتصاد فارغ‌التحصیل شد و یک سال بعد به استخدام وزارت دارایی آلمان غربی درآمد. سپس در سال ۱۹۹۰ به عنوان یکی از معاونان وزارت دارایی به خدمت گماشته شد. کهلر در سال ۱۹۹۲ رئیس مذاکره‌کنندگان معاهده ماستریخت masstricht بود که طی آن چارچوب اتحادیه پولی اروپا تعیین گردید. او در سال ۱۹۸۹ بعد از فروپاشی دیوار برلین، طرح ایجاد پول واحد آلمان شرقی و غربی را مطرح و در سال ۱۹۹۳ از کار دولتی کناره‌گیری کرد و مدیریت عامل بانک saving bank association German را در دست گرفت. با رفتن به بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه در سال ۱۹۹۸

می‌برد (زیرا براساس سیستم اضافه برداشت بریتانیا و مبادلات پیچیده اسعار مابین دو کشور استوار بود) اما در اساس، طرح‌های دو نظریه پرداز یاد شده بسیار شبیه یکدیگر بودند. پس از حدود دو سال بحث و مذاکره میان دو کشور، طرح‌های فوق در یکدیگر ادغام و به عنوان پیش‌نویسی برای اساسنامه صندوق بین‌المللی پول ارائه شد. یکی از پیامدهای عمده جنگ جهانی دوم این بود که ایالات متحده را در عمل به عنوان قدرت برتر اقتصادی و کنترل‌کننده واقعی دنیای تجارت به جهانیان معرفی کرد. بنابراین ساختار مالی صندوق بین‌المللی پول می‌بایست براساس دلار آمریکا بنیانگذاری می‌شد و هیچ ارز بین‌المللی دیگری به غیر از دلار آمریکا نمی‌توانست چنین نقشی را ایفا کند.

### جنگ سرد

"هری دکستر وایت" رئیس هیات نمایندگی آمریکا در صندوق با این باور که همکاری اقتصادی مابین اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده کلید اصلی دستیابی به صلح و رفاه اقتصادی پس از جنگ می‌باشد، در سال ۱۹۴۴ بسیار تلاش کرد که شوروی را متقاعد سازد به عضویت صندوق درآید. هیات نمایندگی که از سوی شوروی در کنفرانس برتون‌وودز حضور یافته بود، ماده‌ای را که در خصوص برگزاری فراندوم برای پذیرفته شدن در صندوق وضع شده بود، امضاء کرد. اما نهایتاً ژوزف استالین از تصویب ماده مذکور ظاهراً به این دلیل که وی ترس از آن داشت که سیاست‌های صندوق عمدتاً از سوی جهان غرب تعیین و اتخاذ شود، خودداری کرد. وی برای این عقیده خود هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای ارائه نکرد. زمانی که تنشها افزایش یافت و اوضاع و احوال به گونه‌ای شد که جنگ سرد میان دو کشور بروز کرد و دیدگاه "وایت" در خصوص عضویت تمامی کشورهای جهان با انتقاد شدید بلوک شرق مواجه گشت. تاثیر آشکاری که جنگ سرد بر صندوق داشت این بود که عضویت کشورهای متقاضی را با محدودیت مواجه

### کنفرانس صلح پاریس

در کنفرانس صلح پاریس در سال ۱۹۱۸ طرح و نقشه رسیدن به رفاه اقتصادی و صلح جهانی در قالب پیشنهاد چهارده ماده ای "وودرو ویلسون" رئیس جمهور وقت آمریکا مطرح شد. اما شش ماه بعد، زمانی که هیات‌های نمایندگی در خصوص شرایط معاهده‌ای که اکنون "پیمان ورسای" شناخته می‌شود، به توافق رسیدند، نکات اصلی و مهم پیشنهاد رییس جمهور آمریکا نادیده انگاشته شد. سپس در طول یک دهه، رفاه اقتصادی از جهان صنعتی رخت بریست. در دهه بعد از آن نیز صلح به همین سرنوشت دچار شد. عمده‌ترین شکست ویلسون این بود که نتوانست سنای آمریکا را متقاعد کند عضویت این کشور را در جامعه ملل بپذیرد.

احتمالاً مصیبت بارترین واقعه در آن زمان این بود که دنیا نتوانست زمینه مساعدی را جهت همکاری‌های اقتصادی برای بزرگترین ملل صنعتی جهان فراهم آورد.

### بحران بزرگ اقتصادی (۱۹۲۹-۳۳)

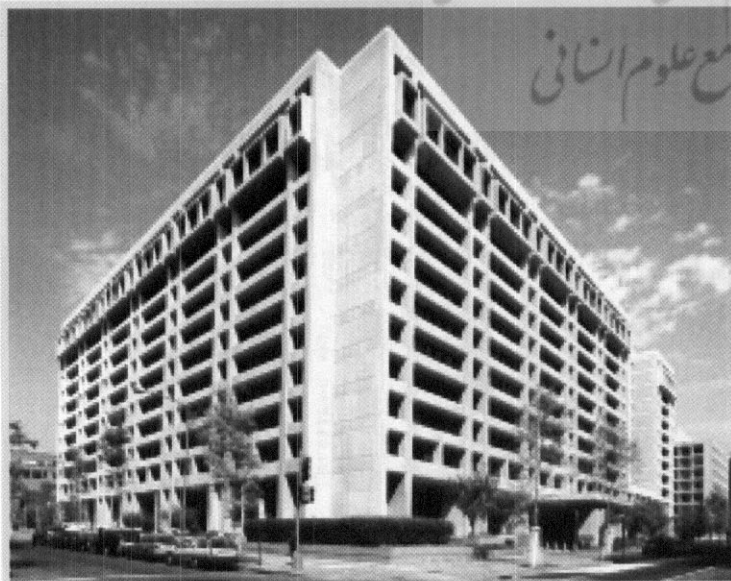
بحران بزرگ اقتصادی که در سال ۱۹۲۹ شروع شد اسباب تشدید پیامدهای منفی پیمان ورسای را از طریق اعمال سیاست‌های غلط اقتصادی و اختلال در تجارت بین‌المللی فراهم آورد که منجر به سقوط تولیدات و قیمت‌ها در سراسر جهان شد. این امر بر میزان اعتماد تحلیلگران و رای دهندگان نسبت به کارایی و سودمندی اقتصادهای مبتنی بر بازار آزاد تاثیر جدی داشت. از سوی دیگر این باور را در آنها شدت بخشید که بخش دولتی می‌تواند نقش مهمی در زندگی اقتصادی مردم ایفاء کند. همچنین این بحث نیز شکل گرفت که پس از جنگ جهانی دوم می‌توان یک موسسه اقتصادی بین‌المللی ایجاد کرد تا براساس آن قدرتهای بزرگ بتوانند از طریق دولت‌هایشان در امور اقتصادی دخالت کنند و از این امر منتفع شوند. همچنین دست اندرکاران امور اقتصادی معتقد بودند ایجاد چنین سازمانی برای نظام مالی بین‌المللی نیز مفید خواهد بود.

## طی دهه های اخیر حجم فراوانی از تسهیلات اعطایی صندوق بین‌المللی پول صرف مدیریت بحرانهای مالی بین‌المللی شده است

### جنگ جهانی دوم

وقوع جنگ جهانی دوم شرایطی فراهم آورد تا ضرورت انجام اصلاحات در سیستم مالی بین‌المللی مد نظر قرار گیرد. هنگامی که ایالات متحده در پاسخ حمله هوایی به بندر "پرل هاربر" در دسامبر سال ۱۹۴۱ وارد جنگ جهانی دوم شد. "هنری مورگن تاو جونینور" وزیر خزانه داری آن کشور از "آقای وایت" که مسئول سیاست‌های مالی و اقتصادی بین‌المللی بود، درخواست کرد زمانی که جنگ به پایان رسید، برای بازسازی سیستم مالی بین‌المللی برنامه‌ای تدوین کند. "آقای وایت" برنامه مقدماتی و اولیه را برای تاسیس صندوق بین‌المللی ثبات اقتصادی تدوین کرد. سپس پیش‌نویس اولیه تاسیس این صندوق را پس از دو ماه به مقامات مسئول ارائه کرد. در آن سوی اقیانوس اطلس "جان مینیارد کینز" طرح ایجاد یک "اتحادیه پایاپای بین‌المللی" را مطرح کرد که توسط بریتانیا و ایالات متحده به عنوان کشورهای موسس اداره می‌شد.

اگرچه طرح "جان مینیارد کینز" آشکارا از لحاظ بین‌المللی از ویژگی چند جانبه بودن بهره کمتری



به موجب توافقی که به هنگام شکل‌گیری بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول حاصل آمده، ریاست بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را به ترتیب آمریکاییان و اروپاییان برعهده داشته‌اند

می ساخت. طی سال های جنگ سرد وضعیت به گونه ای بود که تقریباً کلیه اعضای صندوق یا از جهان اول (کشورهای صنعتی غربی) بودند یا از جهان سوم اما در این بین جای کشورهای بلوک شرق که جهان دوم نامیده می شدند، خالی بود. در آن زمان، IMF به عنوان کلوب سرمایه داران شناخته می شد و رسالت عمده اش این بود که اقتصاد کشورهای عضو را براساس الگوی بازار آزاد هدایت کرده و ثبات مالی آنها را محفوظ دارد.

### استقلال کشورهای آفریقایی

از میان ۴۰ کشور بنیانگذار صندوق تنها سه کشور در قاره آفریقا قرار دارند که عبارتند از: مصر، اتیوپی و آفریقای جنوبی. از بین این سه کشور، یک کشور تقریباً نزدیک به خاورمیانه است و در یک کشور نیز (آفریقای جنوبی) اقلیتی سفیدپوست کنترل دولت را در آن زمان بر عهده داشت و از لحاظ فرهنگی نیز ارتباط بسیار نزدیکی با اروپا برقرار کرده بود. در آن دوران اغلب کشورهای آفریقایی

سرانه در سطح بسیار نازلی قرار داشته اند و از کمترین سطوح توسعه نیز برخوردار بوده اند و این تصویری است که تا به حال تقریباً بدون تغییر باقی مانده است. با توجه به چنین وضعیتی، نقش صندوق بین المللی پول فراتر از حدود وظائفش گسترش یافت و آن سازمان ناچار شد برای تحقق آرمانهای خود مشارکت نزدیکی با بانک جهانی و دیگر آژانس های توسعه ای داشته باشد.

### ظهور مراکز اقتصادی چند قطبی

به موازات رونق اقتصادی جهان و شروع بهبود روند تجارت بین المللی پس از جنگ جهانی دوم، تفوق اقتصادی ایالات متحده به تدریج رو به زوال نهاد. اولین پدیده ای که از خاکسترهای پس از جنگ سر بر آورد، اقتصاد رو به رشد اروپای غربی بود. در این میان ترکیبی از انگیزه ملی، حمایت بین المللی مالی (از جانب طرح مارشال، بانک جهانی و نهایتاً صندوق بین المللی پول) و همچنین چندجانبه گرایی در قالب بازار مشترک و

بسیار بیشتر از نسبت فوق کاهش یافت و از ۵۴ درصد در سال ۱۹۴۸ به ۱۲ درصد در سال ۱۹۷۸ رسید.

### جنگ ویتنام

پی آمدهای افزایش مداخلات نظامی ایالات متحده در جنگ ویتنام در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ بیش از اثرات مستقیم عضویت ویتنام در صندوق بین المللی پول بود. زمانی که دولت ویتنام جنوبی در آوریل ۱۹۷۵ در آستانه سقوط قرار داشت، مقامات آن کشور سعی داشتند تا آنجایی که ممکن است مقادیر قابل توجهی از صندوق بین المللی پول استقراض کنند. اما صندوق در آن زمان تقاضای آنان را رد کرد و چند ماه بعد، دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام از سوی صندوق به عنوان جانشین دولت قبلی به رسمیت شناخته شد. اثر بسیار عمده این تحول بر اقتصاد ایالات متحده این بود که وضعیت پرداخت های خارجی آن کشور را کاملاً "دگرگون ساخت. با در نظر گرفتن اینکه مقادیر هنگفتی صرف



ظهور آفریقا به عنوان  
قاره ای متشکل از  
کشورهای مستقل اثر  
عمده ای بر حجم و تنوع  
تصمیمات صندوق در  
زمینه وام دهی  
گذاشته است

اجرای پروژه رئیس جمهور وقت ایالات متحده، "لیندن جانسون" موسوم به GREAT SOCIETY PROGRAMS (برنامه جامعه بزرگ که در آن مردم از رفاه اقتصادی مناسبی برخوردار هستند) شده و از سوی دیگر هزینه های نظامی ایالات متحده افزایش یافته بود، ارزش دلار آمریکا به صورتی کاذب افزایش یافت که این افزایش فراتر از توانایی ها و ظرفیت اقتصادی آن کشور بود و بدین ترتیب ایالات متحده را با بحران مواجه ساخت. بر اثر اعمال یک سری فشارهای اقتصادی سیستم برتون وودز طی سالهای ۱۹۷۳-۱۹۶۸ از هم پاشید و بدین ترتیب دیگر دلار قابل تبدیل به طلا نبود و طلا نیز دیگر به عنوان یک معیار یا وسیله مبادله مفید در سیستم پولی بین المللی شناخته نمی شد. به طور کلی نمی توان در این تحولات جنگ ویتنام را تنها عامل اصلی چنین سقوط اقتصادی دانست؛ اما می توان از آن بعنوان یک کاتالیزور نام برد که قطعاً نقش عمده ای در سرعت بخشیدن به تحولات اقتصادی آن دوره داشته است.

اتحادیه پرداختهای اروپایی باعث شد اقتصاد اغلب کشورهای اروپایی به سرعت رشد کرده و تجارت چندجانبه و مبادلات ارزی در اواخر دهه ۱۹۵۰ به طور فزاینده ای گسترش یابد. جمهوری فدرال آلمان در سال ۱۹۵۲ به صندوق بین المللی پول پیوست و به سرعت به یکی از پیشرفته ترین اقتصادهای جهان مبدل گشت. به دنبال آن، قاره آسیا وارد عرصه اقتصاد بین المللی شد و ژاپن نیز در سال ۱۹۵۲ به عضویت صندوق درآمد و تا اواخر دهه ۱۹۶۰ توانست به همراه ایالات متحده و آلمان در صدر کشورهای صنعتی جهان قرار گیرد. سپس در دهه ۱۹۷۰، جهان شاهد ظهور اقتصاد قدرتمند عربستان سعودی و دیگر کشورهای متکی به صادرات نفت خاورمیانه شد. بایک بررسی تاریخی می توان به این نتیجه رسید که طی ۳۰ سال، سهم ایالات متحده از صادرات جهانی از ۲۲ درصد به ۱۲ درصد کاهش یافته این در حالی است که سهم ذخایر بین المللی رسمی این کشور نیز

هنوز به عنوان مستعمره شناخته می شدند. تغییر و تحول زمانی آغاز شد که در سال ۱۹۵۷ کشورهای تازه استقلال یافته قاره سیاه نظیر غنا و سودان به عضویت صندوق درآمدند پس از آن واقعه، سیل تقاضا برای عضویت روانه صندوق شد به گونه ای که در سال ۱۹۶۹ از مجموع ۱۱۵ کشور عضو، ۴۴ کشور از قاره سیاه بودند. روند امور به نحوی شد که تا سال ۱۹۹۰ کلیه ۵۳ کشور آفریقایی به عضویت صندوق درآمدند.

ظهور آفریقا به عنوان قاره ای متشکل از کشورهای مستقل اثر عمده ای بر حجم و تنوع تصمیمات صندوق در زمینه وام دهی گذاشته است. بدین معنی که صندوق بایستی به نحو دقیقی در خصوص اعطای وام به کشورهای متقاضی به بررسی و تحقیق بپردازد و کشورهای عضو را از لحاظ اقتصادی عمیقاً مورد مطالعه قرار دهد. اغلب این کشورها و به خصوص کشورهای جنوب صحرا آفریقا از لحاظ سطح درآمد

## جهانی شدن بازارهای مالی

زمانی که صندوق بین‌المللی پول تأسیس شد، جریانهای مالی بخش خصوصی و اهمیت آن محدود بود. در آن دوران نقدینگی مورد لزوم عمدتاً از طریق اعتبار اشخاص و مؤسسات تجاری تأمین می‌شد و بیشتر اقتصاد دانان به این جریان‌های نقدینگی که در میان کشورهای مختلف در گردش بود به عنوان موضوعی که "ثبات اقتصادی را به طور بالقوه تهدید می‌کند و مایه دردسر است" می‌نگریستند. اهمیت جریانهای سرمایه‌زانی شناخته شد که کشورهای اروپایی در دهه ۱۹۵۰ به تدریج پول ملی خود را قابل مبادله کردند. اولین افزایش قابل توجه در این زمینه در دهه ۱۹۷۰ رخ داد زیرا در آن زمان "دلار اروپایی Eurodollar" در دیگر بازارهای مالی برون مرزی ظهور می‌نمود. این گونه بازارها دلارهای نفتی را که کشورهای واردکننده نفت در دهه ۱۹۷۰ بدست آورده بودند جذب می‌کرد و مجدداً "کشورهای ثروتمند آن وجوه را طی یک فرآیند مالی به کشورهای

## بحران‌های بین‌المللی بدهی

در آگوست سال ۱۹۸۲ به تدریج وضعیت ناپه‌نجار بدهی‌های بین‌المللی رو به وخامت نهاد و ناگهان با شتاب فزاینده‌ای به سایر کشورهای جهان سرایت کرد و به یک بحران مالی و اقتصادی عمده تبدیل شد. کشورهای مجارستان، مراکش، لهستان و یوگسلاوی که در سال ۱۹۸۱ دچار بحران شده بودند در نیمه اول سال ۱۹۸۲ نیز با بحران بدهی بانک‌ها دست به‌گریبان بودند. از سوی دیگر هنگامی که مردم در مکزیک سپرده‌های خود را از بانک‌ها بیرون کشیدند بحران به صورت سیستماتیک آن کشور را هم فرا گرفت. چندماه بعد کشورهای آرژانتین، برزیل و شیلی نیز دچار مشکلات مالی فراوانی گشتند و بحران به شدت گسترش یافت. نهایتاً زمانی که نرخ‌های بهره در جهان پایین آمد و بدهی بانک‌ها در اغلب کشورهای در حال توسعه به شدت بدهکار از طریق انتشار "اوراق قرضه بردی" تسویه شد، در سال ۱۹۹۰ این امکان برای کشورهای

دارند که از صندوق استقراض کنند و تقریباً کلیه آنان به کمک‌های مالی و مشورتی این نهاد بین‌المللی نیازمندند. در پی تحولات اخیر تعداد کارکنان صندوق طی شش سال ۳۰ درصد افزایش یافت.

همچنین تعداد اعضای هیات مدیره صندوق از ۲۲ عضو به ۲۴ عضو رسید زیرا کشورهای روسیه و سوئیس اخیراً به عضویت صندوق درآمده‌اند.

## نتیجه‌گیری:

در مجموع می‌توان گفت اقتصاد جهان و صندوق بین‌المللی پول طی شش دهه گذشته (از زمان تشکیل کنفرانس برتون وودز تاکنون) دچار تحولات عظیمی گشته‌اند. طی دهه‌های اخیر حجم فراوانی از تسهیلات اعطایی صندوق صرف مدیریت بحران‌های مالی بین‌المللی شده است. همچنین بخشی از این کمک‌ها نیز برای جلوگیری از وقوع بحران‌های مالی در کشورهای در حال توسعه صرف شده است. از سوی دیگر اغلب اعضای



ساختار بازارهای مالی  
بین‌المللی آن قدر  
پیچیده شده بود  
که دیگر اندازه‌گیری  
حجم نقدینگی و کنترل  
آن به راحتی  
امکان‌پذیر نبود

صندوق بین‌المللی پول به دو گروه عمده وام‌دهندگان و وام‌گیرندگان تقسیم شده‌اند. همچنین تعداد اعضای صندوق طی دهه‌های اخیر گسترش یافته و از تنوع جغرافیایی فراوانی برخوردار شده و صندوق به یک نهاد بین‌المللی فراگیر مبدل شده است به همین دلیل و مسئولیت‌های آن در هدایت اقتصاد جهانی به شدت افزایش یافته است. از سوی دیگر میزان مشارکت صندوق در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشورهای عضو به خصوص کشورهای قرض‌گیرنده به طور چشمگیری شدت یافته است. همچنین صندوق می‌تواند محدودیت‌های ذاتی بازارهای خصوصی در زمینه تأمین مالی را تا اندازه زیادی جبران کند. طی ۶۰ سال گذشته، جهان و صندوق بین‌المللی پول به طور قابل توجهی دچار تغییر و تحول شده است اما هدف اصلی صندوق همچنان مد نظر قرار دارد و در جهت تحقق آن تلاش می‌شود. ●

\* معاون اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی صندوق بین‌المللی پول

گرفتار بحران فواهم شد که پایان بحران را به جهانیان اعلام نمایند. تحول فوق‌موجب گردید صندوق بین‌المللی پول دچار نوعی تحول عمده در زمینه وظائف خود گردد و از آن زمان نقش سازمان یادشده به عنوان مدیر و هدایتگر بحران‌های مالی پررنگ شد.

## سقوط کمونیس

به دنبال فروپاشی دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ و انحلال اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، صندوق بین‌المللی پول بالاخره موفق شد تقریباً "خود را به عنوان یک نهاد مالی بین‌المللی به جهانیان بشناساند. بدین ترتیب فقط طی سه سال اعضای صندوق از ۱۵۲ به ۱۷۲ کشور افزایش یافت که این افزایش از زمان پیوستن کشورهای آفریقایی به صندوق در دهه ۶۰ سریع‌ترین رشد به‌شمار می‌رود. اکنون اعضای صندوق بین‌المللی پول بالغ بر ۱۸۴ کشور است. در حال حاضر بسیاری از اعضای جدید تقاضا

واردکننده نفت وام می‌دادند و این کار از طریق بانک‌های بین‌المللی بزرگ انجام می‌گردید. در دهه ۱۹۹۰ نقل و انتقالات وجوه مابین کشورهای مختلف به عنوان منبع اصلی تأمین مالی در کشورهای صنعتی و همچنین اقتصادهای نوظهور در سراسر جهان شناخته شد به ترتیبی که ساختار بازارهای مالی بین‌المللی آن قدر پیچیده شد که دیگر اندازه‌گیری حجم نقدینگی و کنترل آن به راحتی امکان‌پذیر نبود. اثر عمده دیگری که از پدیده جهانی شدن ناشی می‌شود این است که ویژگی صندوق بین‌المللی پول به عنوان یک نهاد اعتباردهنده تا اندازه‌ای تضعیف شده است زیرا در دهه ۱۹۸۰ بیشتر اقتصادهای پیشرفته قادر شدند پرداخت‌های خارجی خود را به نحو مطلوبی به انجام رسانند و بدین منظور از سرمایه‌های بخش خصوصی استفاده نمایند. بدین ترتیب دیگر لزومی نبود تا از صندوق بین‌المللی پول به عنوان یک نهاد اعتبار دهنده جهانی وام درخواست شود.